




Irano-Islamic Research in Politics, Vol.2, No3, 77-100.

 20.1001.1.28212088.1402.2.2.1.0

An Examination of Sayyid Ahmad Khomeini's Views and the Ranjnameh Based on Critical Discourse Analysis¹

Fateme Tabatabaei²

Mansour Anbarmoo³

Abstract

Sayyid Ahmad Mostafavi Khomeini (1945-1996) was the son of Imam Khomeini, an important political activist before and after the Islamic Revolution. Despite being considered one of the primary sources of contemporary political historiography due to his presence and activity during the struggle, exile, and Imam's leadership, his opinions and political life are rarely mentioned. Administering Imam's Beit (house) during the exile, struggles, and establishment of the Islamic developments related to the imposed war, issues related to the dismissal of the deputy and leadership, the writing of the Ranjnameh are among the turning points of his life. The issue of this research is why Ahmad Khomeini wrote the Ranjnameh. In the present study, an attempt is made to explain the text of Ranjnameh as one of the most important political letters in the history of contemporary Iran, using approach critical Fairclough's discourse Norman analysis and the role of Ahmad in the developments of the first decade of the Islamic Revolution. Using this approach, the base is processed and checked in the index. The findings of the research show that Ahmad Khomeini, considering the political and social situation of Iran and variables namely Imam Khomeini's illness and the changes in power relations in the 1980s, tried to create a new political and religious meaning in the field by compiling the manifesto. line This was in with political identification, the reproduction of Revolution

Keywords: Sayyid Ahmad Khomeini, Third Line Current, Ranjnameh, Norman Fairclough, Critical Discourse Analysis

¹ . Received: 2023/03/15; Accepted: 2023/06/23; Printed: 22/11/2023

² Associate Professor, Department of Islamic Mysticism, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute (Correspondin Author). Tabatabaei.fa@gmail.com

³ PhD Student in Politics at Islamic Azad University, Science and Research Branch
Mansour_anbarmoo@yahoo.com



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال دوم، شماره سوم (پیاپی هفتم) پاییز ۱۴۰۲، ۷۷-۱۰۰.

بررسی آرای سیداحمد خمینی و متن رنجامه بر اساس تحلیل انتقادی گفتمان^۱

فاطمه طباطبایی^۲
منصور عنبرمو

چکیده

سیداحمد مصطفوی خمینی (۱۳۲۴-۱۳۷۳) فرزند آیت‌الله خمینی از کنشگران مهم سیاسی در زمان پیش و پس از انقلاب اسلامی است. اگرچه ایشان به واسطه حضور و فعالیت در دوران مبارزه، تبعید و رهبری امام، از منابع دست اول تاریخ‌نگاری سیاسی معاصر محسوب می‌شود، اما در پژوهش‌های انجام‌شده، کمتر به آرا و کیفیت حیات سیاسی وی اشاره شده است. مقاطع سیاسی برجسته شامل اداره بیت امام در زمانه تبعید، مبارزات و استقرار انقلاب اسلامی، تحولات مربوط به جنگ تحمیلی، مباحث مربوط به عزل قائم‌مقام رهبری، نگرش رنجامه و ابزار نقدهای سیاسی و اقتصادی در اواخر دهه ۱۳۶۰ از جمله نقاط عطف حیات سیداحمد محسوب می‌شوند. مسئله اصلی این پژوهش، فهم چرایی نگرش متن رنجامه از سوی سیداحمد خمینی است. در پژوهش حاضر سعی بر این است که متن رنجامه به‌عنوان یکی از نامه‌های سیاسی مهم در تاریخ ایران معاصر، با استفاده از رهیافت تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف مورد تحلیل قرار گرفته و از این مجرا نقش سیداحمد در تحولات دهه نخست انقلاب اسلامی تبیین شود. بر این اساس، با بهره‌گیری از این رهیافت، درونمایه رنجامه پردازش و بررسی می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سیداحمد خمینی با توجه به وضعیت بیماری امام، مناسبات قدرت در دهه ۶۰، مسائل جنگ و سایر تحولات سیاسی و اجتماعی، با تدوین رنجامه سعی در ایجاد یک معنای نوین سیاسی و اعتقادی در ساخت سیاسی جامعه ایران در راستای هویت‌سازی، بازتولید باورهای ایدئولوژیک انقلاب اسلامی و اقناع افکار عمومی در جهت تثبیت و سازماندهی رضایت عمومی برای انتخاب جانشین رهبری را داشت.

واژگان کلیدی: سیداحمد خمینی، جریان خط سوم، رنجامه، نورمن فرکلاف، تحلیل گفتمان انتقادی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲؛ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۹/۱

۲. عضو هیئت‌علمی پژوهش‌کنده امام خمینی و انقلاب اسلامی، گروه عرفان، تهران-ایران.
Tabatabaaii_fa@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران-ایران (نویسنده مسئول)
mansour_anbarmoo@yahoo.com

مقدمه

نامه‌های سیاسی در تاریخ معاصر ایران جایگاه مهمی داشته و برای بیان مطالب عقیدتی، سیاسی و اجتماعی در ارتباط با وقایع عینی استفاده شده است. در دوره پس از انقلاب اسلامی نیز استفاده از نامه برای بیان مواضع سیاسی ادامه یافت و گاهی با انتشار و ردوبدل شدن پاسخ نامه در فضای عمومی، موجب رسوخ مباحثی از درون هسته قدرت به بیرون شده است. متن رنجنامه توسط سیداحمد خمینی فرزند و مشاور امام خمینی در قالب نامه سیاسی خطاب به آیت‌الله منتظری کمی پس از اعلام رسمی برکناری وی از پست قائم‌مقامی رهبری در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۷ نگاشته شد. تا پیش از انتشار عمومی، اگرچه در سطح کلی وجود برخی اختلاف‌نظرها در هسته قدرت قابل فهم بود، ولی درونمایه مباحث تا زمان انتشار این متن در عرصه عمومی علنی نشد. از این رو، بررسی این متن در کنار حیات و آرای سیاسی سیداحمد، می‌تواند در تبیین برخی تحولات سیاسی دوران‌ساز کمک شایانی کند. چارچوب نظری برای بررسی جایگاه سیداحمد خمینی در ایران پس از انقلاب، مفاهیم، اصول و ابزارها در تحلیل گفتمان انتقادی به‌ویژه رویکرد نورمن فرکلان^۱ است که یکی از منسجم‌ترین رهیافت‌های تحلیل گفتمان انتقادی است. در این پژوهش، تلاش می‌شود رنجنامه در پرتو رویکرد تحلیل گفتمان بررسی و چگونگی کاربرد زبان برای اهداف سیاسی و اعتقادی و بازتاب ایدئولوژی و روابط قدرت تحلیل شود.

۱- پیشینه پژوهش

در سطح آکادمیک، پژوهش‌های زیادی به موضوع آرا و فعالیت‌های سیاسی سیداحمد خمینی و تحلیل رنجنامه اختصاص داده نشده است. مروری بر سابقه پژوهش نشان داد که یک پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «زندگی‌نامه سیاسی حاج سیداحمد خمینی» نوشته محمد رشیدی (۱۳۸۹) در پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی صرفاً با رویکردی توصیفی به موضوع پژوهش حاضر پرداخته است. وی در این پژوهش با مرور تحولات سیاسی ایران در انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، زندگی‌نامه سیاسی، اقدامات و فعالیت‌های سیاسی سیداحمد خمینی را مرور کرده است.

¹ Norman Fairclough

همچنین پاره‌ای تک‌نگاشت‌ها و تقریرات در سطح ژورنالیستی مانند «مصائب احمد» نوشته سرگه بارسقیان (۱۳۸۷)، «گشودن قفل تاریخ» اثر اکبر منتجبی (۱۳۸۶) نیز مشاهده شد. در میان کتب نیز باید به کتاب‌هایی نظیر «اقلیم خاطرات» تألیف فاطمه طباطبایی همسر سیداحمد خمینی، خاطرات سیاسی اکبر هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر ناطق‌نوری و محمدی‌ری‌شهری و گفت‌وگوهای برخی چهره‌های سیاسی اشاره کرد که به شکافت برخی زوایای شخصیتی و سوابق فعالیت‌های سیداحمد خمینی در دوران مبارزات و استقرار جمهوری اسلامی پرداخته‌اند. فقدان پرداختن به موضوع نگارش رنجنامه به شکل تخصصی و همچنین تفاوت در رویکرد روشی، ازجمله نقاط تمایز این آثار با پژوهش حاضر است.

۲- روش تحقیق

در این پژوهش، تلاش شده است متن رنجنامه از رهگذر آرا و جایگاه سیداحمد و سیر تحولات تاریخی، سیاسی و اجتماعی ایران پس از انقلاب اسلامی مبتنی بر نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف تحلیل شود. به نظر می‌رسد در مقام دستاورد، کاریست نظریه فرکلاف بر پژوهش حاضر در فراهم آوردن بستر فهم روابط میان قدرت و ایدئولوژی با تمرکز بر رسانه (اعم از نوشتاری، گفتاری و ترکیبی) است. در این رویکرد، کردارهای گفتمانی به‌مثابه پیوند میان متن (رنجنامه) و جامعه (ایران) مورد درک قرار می‌گیرند؛ به این صورت که در یک رابطه دیالکتیکی، متن و جامعه بر هم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند. نظریه فرکلاف متأثر از مکاتب زبان‌شناسی، هرمنوتیک و تحلیل گفتمان است و متفکرانی همچون مایکل هالییدی،^۱ آنتونیو گرامشی،^۲ میشل فوکو^۳ و یورگن هابرماس^۴ نیز بر آرای او مؤثر بودند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۶). نظریه تحلیل گفتمان به صورت مؤثرتری بعد از دهه ۱۹۷۰ بارویکرد انتقادی وارد حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شد (تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۴).

فرکلاف معتقد است فعالان حوزه زبان‌شناسی متون را از منظر تحلیل لغوی تحلیل می‌کنند و به تحلیل بینامتنی توجه بسیار کمی کرده‌اند. رویکرد سه

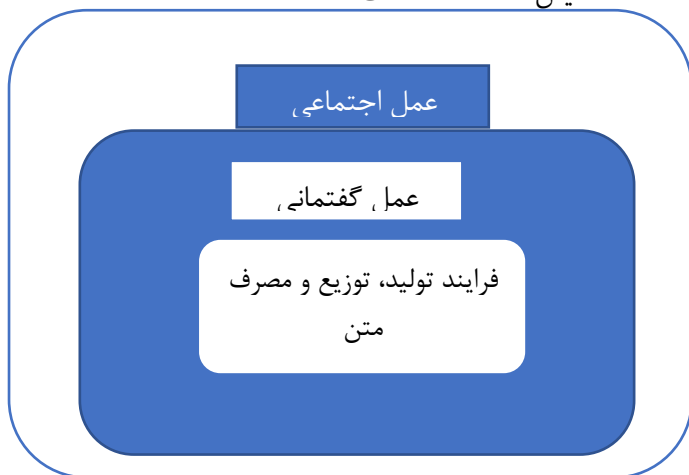
¹ Michael A.K Halliday

² Antonio Gramsci

³ Paul M. Foucault

⁴ Jürgen Habermas

مرحله‌ای (توصیف، تفسیر و تبیین) که توسط فرکلاف معرفی شد، تجزیه و تحلیل گفتمان انتقادی را با ترکیب نظریه زبان‌شناختی با نظریه انتقادی-اجتماعی در دستور کار قرار داد. فرکلاف بر آن بود که مسائل زبانی از مسائل ایدئولوژیک مجزا و منفک نبوده و آنها باید در پرتو تجزیه و تحلیل روابط قدرت جامعه مورد مطالعه قرار گیرند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۶۳). از این رو در سطح توصیف ویژگی‌های زبانی و دستوری استفاده‌شده در متن، بررسی و ویژگی‌های زبانی مانند نوع جملات، تأکیدات، تشبیهات و استعاره در فرایند نام‌گذاری^۱ و دیگر مؤلفه‌های زبان‌شناختی توصیف می‌شود (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۵). در سطح تفسیر نیز فرایندهای مؤثر در تولید متن و استفاده از آن به‌عنوان یک عمل گفتمانی و ارتباط آن با گفتمان‌های دیگر بررسی و در سطح تبیین نیز ارتباط میان متن و بافت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بررسی خواهد شد تا تأثیر عوامل قدرت و دیگر عوامل سیاسی در ساختار و محتوای روشن شود. الگوی تحلیلی فرکلاف و روابط میان سطوح تحلیل متن (توصیف)، عمل گفتمانی (تفسیر) و عمل اجتماعی (تبیین) در نمودار زیر نمایش داده شده است:



¹ Nominalization

نمودار ۱: الگوی سه‌بعدی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف
(فرکلاف، ۸۶، ۱۳۷۹)

۳- مبانی نظری

بخش نخست: زمینه و زمانه سیداحمد

فهم فضای فکر و عمل سیاسی سیداحمد خمینی نیازمند چارچوبی نظری است که پوشش مناسبی به افکار، رویکردها و فضای اجتماعی و سیاسی زمانه ایشان دهد. تبیین نقش سیداحمد در بیت امام یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در رابطه با وی بوده؛ به گونه‌ای که از نظر گروهی، ایشان توانایی تأثیرگذاری بر پیام‌ها و دستورهای امام را داشتند (منتظری، ۱۳۸۶). درحالی‌که از نظر برخی دیگر، امام شخصیتی تلقین‌پذیر و قابل کانالیزه نبودند (انصاری، ۱۳۸۳ و خامنه‌ای، ۱۳۷۴). تحلیل فعالیت‌های سیداحمد در رابطه با اداره بیت امام نشان می‌دهد با توجه به شرایط سیاسی دهه نخست انقلاب و همچنین ضرورت تفکیک وظایف و قانونمندشدن آنها، رویکرد ایشان، عدم دخالت کلی در مسائل کشور و ضروری‌ندانستن توسعه تشکیلات رهبری و حفظ حیطه اختیارات بیت بوده است (انصاری، ۱۳۹۲).

در زمینه جایگاه سیداحمد در بیت امام خمینی می‌توان به رویکردی «میان» استقلال تام و انفعال رسید؛ به این معنا که سیداحمد نه دارای انفعال کامل و نه دارای اختیار و استقلال کامل در نگارش نامه‌ها و مواضع امام بوده است. برخی از اظهارنظرها در استناد به این ادعا وجود دارد؛ از جمله نظر آیت‌الله خامنه‌ای که بر آن هستند:

«می‌خواهم این را عرض کنم که حرف‌های امام، مشورت‌های حاج احمد آقا نبود؛ اما از حاج احمد نیز استفاده می‌کردند. امام هم آدمی نبودند که تحت تأثیر عواطف قرار گیرند... از مشورت حاج احمد آقا استفاده بهینه را می‌کردند. یعنی چنین نبود که هرچه حاج احمد آقا می‌گویند، گوش کنند؛ بلکه مواردی اتفاق افتاد که امام نظری داشتند و شاید خود ما هم خیال می‌کردیم این نظر را حاج احمد آقا به ایشان منعکس کرده‌اند. بعد خدای متعال مسائل را طوری پیش می‌آورد که می‌فهمیدیم نظر امام در این مورد چیزی دیگر است و نظر حاج احمد آقا به جز این بوده است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴).

به منظور فهم دقیق‌تر از فعالیت‌های سیاسی سیداحمد، دوره‌های تاریخی زندگی ایشان به دو دوره همراهی با امام در تبعید و اداره بیت در زمان انقلاب و جنگ و دوره پس از سال ۱۳۶۸ تقسیم شده است. اگرچه سابقه سیاسی سیداحمد خمینی در دوره پس از انقلاب اسلامی برجسته‌تر شده است، اما نقش‌پذیری سیاسی وی به تدریج پس از حوادث ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و مشخصاً در سال ۱۳۵۶ و به دنبال درگذشت سیدمصطفی خمینی شروع می‌شود و وجوه روشنی از خط‌مشی سیاسی و تحولات منتهی به تبعید و انقلاب اسلامی نمایان می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۵۵-۲۴۰). در این دوره به شکل خاص، تمرکز سیداحمد خمینی علاوه بر ایجاد شبکه روحانیت فعال انقلابی، ساماندهی مبارزات در داخل ایران از طریق ارتباط جریان‌های سیاسی، جمع‌آوری و ارسال وجوهات مردم برای امام و برقراری تماس مستقیم با مبارزان کشورهای اسلامی شامل پاکستان، عربستان سعودی، عراق و نهضت مقاومت اسلامی فلسطین بود (دعایی، ۱۳۹۷). در واقع وی علاوه بر توجه به «حفظ جریان انقلاب اسلامی در مسیر صحیح» بر «ایجاد موازنه» میان گروه‌ها و احزاب در ارتباط‌گیری با امام تأکید داشت (موسوی‌لاری، ۱۳۹۸). سیداحمد به‌نوعی متولی کلان ارتباط نخبگان و جریان‌های سیاسی با امام و در جانب دیگر، مجرای انتقال پیام‌ها و توصیه‌های امام به بدنه قانون‌گذاری و اجرایی نظام و جامعه بود. یکی از مظاهر این رویکرد را می‌توان در خصلت بوروکراتیک‌نیافتن تشکیلات بیت رهبری و اداره سنتی آن بر مبنای نظر امام دانست.

الف) اداره بیت امام در دوران تبعید، انقلاب و جنگ

از منظر زمانی این دوره ۱۲ ساله از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۸ را دربر می‌گیرد. فعالیت‌های نخست سیداحمد برخلاف رویکرد پدر و برادر، صبغه‌ای غیرمذهبی و در فعالیت‌های اجتماعی و ورزش‌هایی همچون کشتی، فوتبال و ورزش‌های باستانی بود. کنشگری سیاسی و مذهبی سیداحمد با آنچه وی «اشاره پدر» خوانده، از سال ۱۳۴۲ آغاز و با درگذشت سیدمصطفی در آبان سال ۱۳۵۶ وارد فاز اجرایی‌تر می‌شود. این دوره از آن جهت تاریخ‌ساز است که سیداحمد در کانون رخدادهای مهمی همچون مدیریت بیت امام در نجف و پاریس، بازگشت به ایران در بهمن ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی، رقابت‌های سیاسی داخلی، وقوع جنگ هشت‌ساله و پذیرش آتش‌بس،

مسئله جانشینی رهبر و نگارش رنجنامه را دربر می‌گیرد. جایگاه سیداحمد در اتصال به امام و حضور فیزیکی در مبارزات، زمینه مناسبی برای ارتباط با گروه‌ها و نیروهای مختلف سیاسی که از نظر وی «دارای بینش‌های مختلف ولی متحد در اصول و ارزش‌ها» بودند، فراهم آورد (خمینی، ۱۳۵۸: ۱). وی هم‌زمان با حضور در تبعید امام در شکل‌دهی به برخی اقدامات داخلی از قبیل تشکیل هسته‌های عملکردی و ارتباط با جریان‌های سیاسی و نخبگان مذهبی نظیر جلال آل‌احمد و علی شریعتی نیز نقش داشت (دعایی، ۱۳۹۷). اگرچه باید اشاره کرد که سیداحمد با افراد مبارزی که اقداماتی در زمینه مبارزات مسلحانه داشتند نیز ارتباط داشته و حمایت‌های مالی هم از آنها صورت می‌داده است (امام‌جمارانی، ۱۳۹۲).

ب) دوران فراغ از سیاست عملی

این دوره پس از سال ۱۳۶۸ به تدریج آغاز و تا زمان مرگ ایشان در سال ۱۳۷۳ ادامه یافت. واگذاری تدریجی مسئولیت‌های سیاسی مانند عضویت در شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقد عملکرد برخی جریان‌ها و نخبگان سیاسی، دفاع از اقتصاد دولتی و تعاونی، تأکید بر بسط نقد و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و اتخاذ رویکرد بازانگارانه در برخی مسائل مانند ادامه جنگ پس از آزادسازی خرمشهر در سال ۱۳۶۱ از مهم‌ترین فرازهای این دوره است. برای مثال سیداحمد بر آن بود در سال ۱۳۶۱ پس از قضیه فتح خرمشهر، بهترین زمان برای پایان جنگ بود و نظر امام نیز جز این نبود (خمینی، ۱۳۷۴).

بخش دوم: تفکرات و آرای سیداحمد خمینی

در این بخش تلاش می‌شود مهم‌ترین خطوط فکری و نظرگاه‌های سیداحمد خمینی در ابعاد سیاسی و اقتصادی مرور و تحلیل شوند. یکی از مهم‌ترین موضوعات قابل طرح در ارتباط با آرای سیاسی سیداحمد، تأثیرپذیری از افکار و ایده‌های عرفانی و فقهی امام خمینی و علی شریعتی به صورت مشخص در ایده «خط سوم» است (امام‌جمارانی، ۱۳۹۲ و علی حکمت، ۱۳۹۰). به نظر می‌رسد در صورت‌بندی این مفهوم از سوی سیداحمد نباید از تأثیر مضامین عرفانی غفلت کرد. خط سوم، مفهومی است که شمس تبریزی در کتاب مقالات شمس معرفی کرده است.^۱ به‌ویژه آنکه علاقه سیداحمد به عرفان و شمس تبریزی بر کسی پوشیده نبوده است. برای مثال

تأسیس رشته عرفان اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی که وی مدتی از اعضای هیئت امنای آن بود، در نتیجه تلاش‌ها و توصیه‌های وی حاصل شد.

۱- آرای سیاسی سیداحمد خمینی

با توجه به اتصال سیداحمد به هسته اصلی قدرت، درک کنشگری وی در حوزه سیاسی و فکری اهمیتی دوچندان می‌یابد. به همین منظور در این بخش تلاش شده است با مروری بر مکتوبات و منشورات صادرشده از او، سرفصل‌هایی از آرای سیداحمد طرح و مورد بررسی قرار گیرد.

صورت‌بندی جریان خط سوم

«خط سوم»، مفهومی سیاسی-مذهبی ناظر بر حوزه تفکر و عمل سیداحمد خمینی است. ایده «خط سوم» با درونمایه سیاسی از سوی سیداحمد خمینی برای نخستین بار در مجلس بزرگداشت علی شریعتی در سال ۱۳۶۰ طرح شد. سیداحمد خمیرمایه‌های خط‌گذاری نوین را در افکار علی شریعتی می‌جست (حکمت، ۱۳۹۰). شریعتی به لحاظ نظری مبدع رویکردی است که در آن علاوه بر نقد جریان حاکم (نظام سیاسی)، نقد روحانیت و سرفصل‌های مذهبی تشیع را به دلیل نگاه سنتی آن در دستور کار قرار داد؛ تا جایی که بر ایجاد یک جریان فکری فارغ از آنها نظر داشت. سیداحمد نیز به تأسی از همین نگرش، بر آن بود که «نگاه سنتی و متحجرانه به دین و انقلاب خطرآفرین است» و باید به خطی رسید که از افکار تندرو و افراطی و رادیکال جلوگیری شود؛ تا جایی که معتقد بود: «من بوی فرصت‌طلبی احساس می‌کنم. عده‌ای در انقلاب نبودند و حال که به نان و نوایی رسیدند، هرکسی را که با حرف‌هایشان و اندیشه‌هایشان همخوانی نداشته باشد، طرد می‌کنند. ما نیاز داریم یک خط سوم به وجود آوریم» (همان).

درواقع این بحث با نقد عملکرد جریان‌های سیاسی آغاز و در ادامه به حوزه مذهبی نیز بسط داده می‌شود. سیداحمد با نقد دو جریان موسوم به «مکتبی و روشنفکر»، بر ضرورت ایجاد یک خط نوین با محوریت امام تأکید دارد. وی با بیان اینکه برخی جریان‌ها برای «برای عقاید مردم احترام نمی‌گذارند، همه را غیرمسلمان می‌دانند و نهضت و خط خودشان را در خط امام جا می‌زنند»، بر ضرورت ایجاد یک عاملیت سیاسی و مذهبی نوین در جامعه سیاسی و مدنی ایران دهه ۱۳۶۰ تأکید داشت:

«عده‌ای هستند مکتبی که روی چشممان. عده‌ای هم هستند که مکتب را عنوان کرده‌اند و از آن می‌خورند. عده‌ای هم هستند اهل قلم و بیان و به اصطلاح روشنفکر که هیچ‌گونه شناختی از جامعه ندارند و فقط مواظب هستند عقب نیفتند که خطرشان کمتر از دسته دوم نیست. من گفته‌ام و می‌گویم که باید به اسلام راستین توجه کرد و این دو خط که باطل است، کنار گذاشت. خط سوم راستین و تنها راه نجات را دنبال کنیم. خط سومی که امام راهبر آن است» (خمینی، ۱۳۶۰).

ترسیم نظام شورایی متخصص

سیداحمد در سال ۱۳۵۸ در زمانه‌ای که مباحث مربوط به ارکان نظام جمهوری اسلامی و مجلس خبرگان قانون اساسی مطرح بود، بر اهمیت نقش متخصصان در اداره شورایی نظام سیاسی ذیل رهبری ولی فقیه تأکید داشت:

«ما شورای متخصص می‌خواهیم، باید مملکت را شورای متخصص اداره کند. تنها راه اسلامی حکومت ما هم همین است... ما می‌خواهیم مملکت شورایی باشد و یک فقیه که شرایطش را خدا معین کرده است» (خمینی، ۱۳۵۸، ۱).

ترکیب این شورای متخصص شامل یک نفر از بهترین اقتصاددان‌ها، یک نفر از بهترین عالمان اجتماع، یک نفر از بهترین افرادی که مسائل فرهنگی مملکت را می‌داند، یک نفر از بهترین افرادی که مسائل نظامی را می‌داند با مدیریت ولی فقیه در نظر گرفته شده بود. از نظر وی نقش فقیه در انتخاب اعضای این شورا و عزل و نصب آنها حیاتی است:

«بنا بر قانون خدا باید خبیره‌ترین و متعهدترین و متدین‌ترین افراد را انتخاب کند برای اینکه اینها به درد مسلمین می‌خورند. حال در رأس این شورا که اداره مملکت به دست شورا است، یک نفر باشد که اگر شخصی از این شورا خواست خیانت کند و آمریکایی بشود بتواند کنارش بگذارد» (همان).

نقد روحانی‌نماها

یکی از موضوعاتی که کمتر در آرای سیداحمد مورد اشاره قرار گرفته و متأثر از علی شریعتی و امام است، نوع رویکرد سیداحمد در موضوع روحانیت بود. علی شریعتی در آثار و سخنرانی‌های خود به نقد ساختار سازمانی و فکری

مذهب تشیع و روحانیت می‌پرداخت؛ از این‌رو نقد دین به صورت اجتناب‌ناپذیری همراه با نقد متولیان دین نیز بود. سیداحمد نیز تلاش داشت با ارائه تفسیری مشابه شریعتی، بازتعریفی از اسلام ارائه دهد و روحانیت سنتی را از این منظر نقد کند. برای مثال با تاریخ‌نگاری مخالفت بخشی از روحانیت با امام در نجف از آنان به‌عنوان «آخوندهای بدجنس و متحجر» یاد می‌کند و اسلام حقیقی را اسلامی آزادی‌خواه، استقلال‌طلب و خوانشی می‌داند که «در ستیز با سرمایه‌دار زالوصفت» است (خمینی، ۱۳۶۸، ۲). از این مجرازمینه‌ای تاریخی برای نقد بخشی از روحانیون دوره معاصر به دست می‌دهد.

وی نقد فضای مذهبی و سیاسی کشور را نیز در دستور کار قرار می‌دهد و بر آن بود که «چون جو عمومی کشور مذهبی است، (عده‌ای) با یک ته‌ریش و تسبیح خود را مسلمان دوآتشه جا می‌زنند و به کار خودشان مشغول هستند» (خمینی، ۱۳۶۰). با همین رویکرد است که وی تلاش می‌کند مرزبندی اعتقادی با برخی روحانیون نزدیک نیز داشته باشد: «من با موضع‌گیری‌های عموی عزیزم حضرت آیت‌الله پسندیده مخالفم... درحالی‌که شدیداً به ایشان احترام می‌گذارم. باید مواظب بود تا کسی مطلبی گفت که مطابق میل ما نبود، او را منحرف و وابسته قلمداد نکنیم که این خطرناک است» (همان).

عنوان کردن آیت‌الله منتظری برای پست قائم‌مقام رهبری

به نظر می‌رسد یکی از جدی‌ترین اولویت‌های سیداحمد خمینی، مسئله تعیین جانشین برای رهبری در زمان حیات و معلول وضعیت سلامتی و بیماری امام بود. وضعیت ناپایدار جسمانی امام خمینی سبب شد تعیین جانشین و قائم‌مقام در اولویت سیداحمد قرار بگیرد؛ از این‌رو در سال ۱۳۵۸ پیشنهاد قائم‌مقامی آیت‌الله منتظری را به امام مطرح می‌کند (خمینی، ۱۳۶۸: ۸). با حفظ این رویکرد است که بلافاصله پس از منتفی‌شدن قائم‌مقامی آیت‌الله منتظری در فروردین ۱۳۶۸، سیداحمد بر دو گزینه آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله موسوی‌اردبیلی به‌عنوان گزینه‌های رهبری تأکید کرد (جبرائیلی، ۱۳۹۸: ۷۶).

دفع استبداد مذهبی - سیاسی با تأکید بر جمهوریت نظام

بخشی از مهم‌ترین آرای سیاسی سیداحمد معطوف به محوریت مردم در حکومت و انتخابی بودن ارکان سیاسی در نظام جمهوری اسلامی بود (خمینی، ۱۳۷۵: ۱۸). به نظر وی نظام جمهوری اسلامی یک «نظام مردمی» است و

اگر مردمی بودن نظام به هر دلیلی مخدوش شود، تضمینی برای تداوم راه انقلاب نیست (خمینی، ۱۳۷۱: ۱). سیداحمد خمینی همچنین طرح آزادانه دیدگاه‌ها و آرای مختلف را برای حفظ و بقای اصول اساسی ارکان نظام و انقلاب را ضروری می‌دانست. از منظر ایشان نظام جمهوری اسلامی با انتقاد رشد خواهد کرد و اگر از انتقاد چشم‌پوشی شود، «دریچه آزادی که یکی از اصول انقلاب و یکی از شعارهای خدشه‌ناپذیر انقلاب است» بسته می‌شود (خمینی، ۱۳۷۵: ۳۳۵).

سیداحمد فقدان نقادی در کشور را موجب بروز استبداد سیاسی و استبداد مذهبی در جامعه می‌دانست و بر آن بود که تعطیل شدن انتقاد به بهانه تضعیف نظام جمهوری اسلامی در نهایت «کار را به جایی می‌رساند که مسئولی در منطقه‌ای از کشور عمل خود را عین اسلام و حرف خود را حکم اسلام دانسته و باورش شده که اسلام و انقلاب همان است که من مسئول فکر می‌کنم» (خمینی، ۱۳۷۵: ۴۴۰). سیداحمد تفاوت در دیدگاه‌های سیاسی و مذهبی را مجوزی برای اتهام‌زنی بر دیگران نمی‌دانست و معتقد بود که این مسئله نباید منجر به طرح اتهام به افراد شود:

«من موضع‌گیری‌های اخیر برادرزاده‌ام (سیدحسین خمینی) را قبول ندارم و مخالفم... این نباید موجب شود تا بدون هیچ دلیلی بگوییم ایشان به فلان گروه و دسته وابسته است» (خمینی، ۱۳۶۰).

دامنه نقد سیداحمد خمینی البته منحصر به فضای سیاسی نبود و طیف گسترده‌ای از جریان‌ها و افراد را دربر می‌گرفت. به‌طور مثال وی از آنچه «حکومت لیبرال‌های مسلمان» که اشاره به مهدی بازرگان و جریان ملی‌مذهبی‌ها بود، انتقاد و از آنها با عبارت «خون دل امام» و «نوکران آمریکا» یاد می‌کرد (همان). سیداحمد خمینی همچنین با نقد و نفی «جریان چماق‌کشی» در کشور، آن را در نزد برخی گروه‌ها نوعی «بینش سیاسی» ارزیابی می‌کرد که اگر نسبت به حل آن تلاشی صورت نگیرد، بر تمام کنش‌های جریان‌های سیاسی غلبه می‌کند (خمینی، ۱۳۵۹).

همچنین باید به صورت اجمالی به آرای اقتصادی سیداحمد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نظرگاه‌های اندیشه او اشاره کرد که طبعاً تابعی از آرای سیاسی و تجربه زیسته وی بود؛ از جمله انتقاد از رشد سرمایه‌داری در کشور، ضرورت حل مسائل اقتصادی جامعه، رفع فاصله طبقاتی و تأمین معیشت عمومی با

استفاده از تعاونی‌ها (خمینی، ۱۳۷۵: ۵۲۱). وی به روشنی در مقابل الگوی سرمایه‌داری، از اقتصاد دولتی، گسترش تعاونی‌ها و توسعه اقتصادی مبتنی بر اقتصاد کشاورزی به جای اقتصاد صنعتی دفاع می‌کرد (همان، ۵۱۰).

بخش سوم: تحلیل گفتمان انتقادی رنجنامه

در این بخش تلاش می‌شود با استفاده از چارچوب نظری پژوهش که رهیافت تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلایف است، گذر از چستی توصیف متن به چگونگی و چرایی یعنی همان تفسیر و تبیین رنجنامه صورت پذیرد.

۱- تحلیل در سطح توصیف

در این سطح به تجزیه و تحلیل متن مبادرت خواهد شد و خصوصیات رسمی و ظاهری در سطوح واژگانی و گرامری متن مورد توجه قرار می‌گیرد. برخی از مهم‌ترین موارد مطرح شده در این سطح عبارت‌اند از دسته‌بندی کلیات متن و کلمات، نوع واژگان و مفاهیم (کلمات دارای بار ایدئولوژیک، متناقض و متضاد)، درخواست‌های موجود در متن (اصلاح، تغییر و...)، تشبیه‌های زبان‌شناختی و استعاره‌های پیدا و پنهان در متن، سوابق ادعاها و منابع متون، کنشگری نگارنده از منظر (فاعل یا انعکاس) و فهم فضای متن از حیث سازنده‌بودن.

- عنوان متن

اولین نکته در این مرحله، بررسی عنوان رنجنامه برای متن است. انتخاب عنوان، آشکارکننده محتوای اعتراضی و موضع سلبی نویسنده در قبال رویداد مدنظر است. موضع نگارنده در متن، صریح، بدون بیان تعارفات، غیراصلاحی و تحکمی است. سیداحمد ملاک نوشتن رنجنامه را امری متفاوتی شامل «رضایت» معرفی و هدف از نگارش آن را «روشن شدن حقایق» می‌داند که اگر بازگو نکند به اسلام و انقلاب و امام و مردم خیانت کرده است (خمینی، ۱۳۶۸: ۶).

- تکرار واژگان

در محتوای رنجنامه از منظر کمی، پرتکرارترین واژگان در متن را می‌توان مخاطبان عام و خاص نامه نامید. در جدول زیر واژه و دفعات تکرار در متن آورده شده است:

کمیت تکرار واژگان در متن	
دفعات تکرار	واژه
۲۷۰	امام/ امام مظلوم (اشاره به امام خمینی)
۳۵۰	حضرت آیت الله، شما، جنابعالی (اشاره به آیت الله منتظری)
۴۵۲	من، بنده، حقیر (اشاره به سیداحمد)
۱۱۱	منافق/ منافقین/ دشمنان/ ضد انقلاب
۱۳۶	سیدمهدی هاشمی
۷۰	سیدهادی هاشمی
۱۷۰۰۰	مجموع واژگان متن رنجنامه

جدول ۱. کمیت تکرار واژگان در متن

گونه‌شناسی شخصیت‌های متن

حضور سیداحمد و روایت وی از رخدادها نه تنها به‌عنوان یک نگارنده و راوی، حاشیه‌ای و کم‌رنگ نیست، اتفاقاً با حدود هشت درصد حضور در متن، محمل قدرتمند و مؤثری است برای هویت‌سازی و تعیین تکلیف نخبگان سیاسی از جمله آیت الله منتظری. این مسئله را می‌توان در جدول زیر از منظر درصد حضور در متن رنجنامه فهم کرد. همچنین ترتیب سخن‌گویی و ورود شخصیت‌ها به رنجنامه و درصد حضور در متن توسط آنها به قرار زیر است:

شخصیت‌ها در رنجنامه	ترتیب ورود به متن	درصد حضور در متن
آیت الله منتظری	۱	۵/۹٪
حضرت امام خمینی	۲	۴/۵٪
سیداحمد خمینی	۳	۷/۶٪
منافقین و لیبرال‌ها	۴	۱/۸٪
سیدمهدی هاشمی	۵	۱/۹٪
سیدهادی هاشمی	۶	۱/۱٪

جدول ۲. ورود و درصد حضور شخصیت‌ها در متن رنجنامه

نام‌گذاری در متن

نام‌گذاری، فرایند تبدیل ساخت‌های زبانی مانند جملات به نام است. این فرایند سبب تقلیل در کلمات و پیچیدگی معنای می‌شود. در متن رنجنامه ترکیباتی از جمله امام خمینی با صفاتی همچون «امام مظلوم و امام محرومان»، «آیت‌الله منتظری با عناوینی مانند «حضرت آیت‌الله و ساده‌اندیش» و ساختارهایی مانند نهضت آزادی و لیبرال‌ها با نام «دشمنان مردم و انقلاب اسلامی» تحت این فرایند آورده شده است.

استعاره و تشبیهات متن

استفاده از تشبیه و استعارات از جمله اجزای تحلیل گفتمان برای انسجام‌بخشی به متن است. در متن رنجنامه، به منظور تعیین مواضع تشبیه زیر به کار رفته است:

«آیت‌الله منتظری مانند ظرف شیشه‌ای و امام، ظرف فلزی هستند که اگر به هم بخورند ایشان خرد می‌شود» (خمینی، ۱۳۶۸: ۳).

روشن است ظرف فلزی بیانی از ماندگاری، استحکام و مقابله با دیگران بدون تحمل آسیب است؛ در حالی که ظرف شیشه‌ای کنایه از شکنندگی، حساسیت و عدم مانایی در صورت مقابله و برخورد است. همچنین روایت تشبیه کنایه‌آمیز «افراد اطلاعات و بچه‌های دادستانی» به مقدس اردبیلی^۱ از سوی آیت‌الله منتظری و رخداد‌های حول عزل آیت‌الله منتظری از مقام قائم‌مقامی رهبری که سیداحمد آنها را «واقعیتی تلخ‌تر از زهر» می‌خواند، برای تأثیرگذاری بر مخاطب و تعیین موضع نگارنده نامه و تعیین وزن شخصیت‌های موجود در نامه قابل اهمیت است.

نظام نوبت‌گیری^۲ در متن

یکی از عوامل انسجام‌بخشی در متون، نوبت سخن‌گویی است که رعایت ترتیب در این فرایند، موجب ایجاد نوعی نظم در شکل‌گیری گفت‌وگوها می‌شود. رنجنامه از نوع نامه‌های «بدون توقع پاسخ» است؛ چون نه تنها حاوی سؤال مشخصی برای طلب پاسخ از مخاطب (آیت‌الله منتظری) نیست، بلکه نامه به‌گونه‌ای تدوین شده است که برای مسائل و پاسخ‌ها،

۱ عالم و فقیه مشهور شیعه ایرانی در قرن دهم هجری

سؤالاتی از پیش فکرشده طرح و پاسخ‌های تفصیلی از زبان خود نگارنده تدوین شده است.

- طبیعی‌سازی و بنای عقلا

سه مفهوم ایدئولوژی، عقل سلیم و طبیعی‌سازی^۱ با یکدیگر ارتباط وثیقی دارند. طبیعی‌سازی راه ایجاد عقل سلیم است. ایدئولوژی‌ها تا آن حد تبدیل به حس ایدئولوژیک می‌شود که گفتمان‌هایی که شامل آنها هستند، طبیعی‌سازی شده‌اند. این امر به میزان قدرت گروه‌های صاحب قدرت در جامعه بستگی دارد. تکرار گزاره «ساده‌اندیشی» آیت‌الله منتظری به گونه‌ای است که می‌توان گفت از منظر سیداحمد خمینی، این گزاره به صورت یک پیش‌فرض در نظر گرفته شده است. همچنین همان‌پنداری «ارتباط آیت‌الله منتظری با منافقین» و «ساده‌اندیش بودن آیت‌الله منتظری» با هدف طبیعی‌سازی این ارتباط و واقعی نشان دادن آن در متن نامه طرح شده است.

- کنشگری در رنجنامه

در تحلیل گفتمان انتقادی، فهم کنشگر^۲ از مهم‌ترین اجزای تحلیل متن است. چگونگی نمایش کنشگر در متن مهم است. کنشگر نقش فاعل متن را ایفا می‌کند و هنگام بیان نقش کنشگر، چگونگی اشاره به آن (اشاره صریح یا غیرمستقیم) دارای بار ایدئولوژیک است. از این رو اگرچه در متن نامه، آیت‌الله منتظری به شکل روشن و مستقیم مخاطب قرار داده شده است، اما در برخی از گزاره‌ها با کنشگرانی مختلف همچون سیدمهدی هاشمی، برخی روحانیون اصفهان، منافقین و لیبرال‌ها و حتی افکار عمومی روبه‌رو هستیم. به‌طور مثال ارتباط با منافقین و مخالفت با خط امام، به شکلی در متن رنجنامه آمده است که گویی عاملیت را نه به آیت‌الله منتظری بلکه به اطرافیان او شامل مهدی هاشمی، منافقین و لیبرال‌ها و تأثر از آنها لحاظ می‌کند (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۲). از همین رو است که سیداحمد در ابتدای نامه، منظور از نوشتن رنجنامه را نه «پذیرفتن تفکر و خط منافقین و لیبرال‌ها» از سوی آیت‌الله منتظری، بلکه کنشگری را به «جریان توطئه‌گر طیف مهدی هاشمی» می‌دهد که با القائات خود، آیت‌الله را وادار به مواضعی غلط کرده و او را «آلت دست» قرار داده‌اند (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۴).

¹ Normalisation

² Agency

به نظر می‌رسد هنگامی که انتقادات سیداحمد از آیت‌الله منتظری به درجه بالای و تندوتیزی می‌رسد، سیداحمد سطح کنشگری را در متن از خود اخذ و دیگری را وارد میدان عاملیت می‌کند که در اینجا برخی روحانیون اصفهان (استان محل تولد آیت‌الله منتظری) بدون اشاره به اسامی آنها نقل شده است. همچنین یکی از برجسته‌ترین کنشگری‌های موجود در بین خطوط رنجنامه واردکردن عنصر «افکار عمومی» و تلاش برای جهت‌دهی به آن است؛ تا جایی که سیداحمد از نطق آنها این‌طور استفاده می‌کند: «دوستداران شما که روحانیون خوب و مردم و طلبه‌های مخلص انقلابند هرگز حاضر نیستند امام و اهداف امام را رها کنند و شما را بگیرند. یعنی شما را به‌خاطر امام دوست دارند» (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۲).

- تناقض‌های متن

منظور از تناقض‌بودن متن در اینجا، این است که واژگان متضاد از سوی افراد متفاوت در متن دیده می‌شود. نمونه‌هایی از برجسته‌ترین تناقضات ترسیم‌شده در متن توسط نگارنده به منظور تأثیرگذاری بر خوانندگان و شفافیت در مواضع در جدول زیر آورده شده است:

تناقضات در متن	
آیت‌الله منتظری	امام خمینی
موافق لیبرال‌ها	مخالف لیبرال‌ها
ظرف شیشه‌ی	ظرف فلزی
موافق منافقین	مخالف منافقین

۲- تحلیل سطح تفسیر (سطح گفتمانی)

در این مرحله تفسیر و تحلیل متمرکز بر ارتباط مابین متن و تعامل داده‌های غیرمتنی است. در این مرحله به اجتماعی‌شدن و برساخته‌شدن متن توجه شده و ارتباط شیوه‌های اجتماعی با متن مشخص می‌شود و نقش عوامل

اجتماعی در شکل‌گیری و تداوم متن و نقش متن در تداوم و شکل‌گیری عوامل اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین عوامل برون‌متنی مؤثر بر تفکر نگارنده و تولیدکننده محتوا نیز مدنظر است و نگارنده متن به‌عنوان یک عنصر فعال شناسایی می‌شود. از مهم‌ترین موضوعاتی که در سطح تفسیر بررسی می‌شود، موضوعاتی نظیر انسجام، جان‌مایه متن، بافت موقعیتی و بینامتنیت است.

رنجنامه متنی است در قالب نامه خطاب به آیت‌الله منتظری که در روزنامه‌های رسمی در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۲۶ منتشر شد؛ اگرچه تاریخ نگارش نامه به تاریخ ۱۳۶۸/۲/۷ برمی‌گردد. این متن در واقع دفاعیه‌ای است از تصمیم امام خمینی مبنی بر برکناری آیت‌الله منتظری از پست قائم‌مقامی رهبری که در بطن آن مسائل دیگری از قبیل ارتباط با گروه‌های و جریان‌های سیاسی مخالف، عملکرد برخی نخبگان سیاسی و... نهفته است. نگارش رنجنامه ناظر بر بیان دلایل عزل آیت‌الله منتظری از سمت قائم‌مقامی رهبری به‌عنوان یکی از رویدادهای مهم سال‌های آخر حیات امام در کنار وقایعی همچون پایان جنگ، رقابت‌های سیاسی قابل تحلیل است. شرکت‌کنندگان در رویداد ارتباطی رنجنامه که در گستره روزنامه‌های عمومی کشور نشر یافت، مردم، نظام سیاسی و نخبگان سیاسی هستند. اگرچه محتوای رنجنامه به شکل همگنی نقل شده، بخش‌هایی وجود دارد که به سبب داشتن بار ایدئولوژیک، به شکل متنوعی آمده است. تحلیل محتوای رنجنامه در این سطح نشان می‌دهد که رنجنامه، نامه‌ای از جنس سیاسی و اعتقادی است؛ به‌نوعی تعیین‌کننده معیارهای انتخاب رهبری (عدم ارتباط با برخی گروه‌های سیاسی) و تشریح آینده سیاسی آیت‌الله منتظری در صورت ادامه وضعیت موجود از منظر نگارنده است. همچنین تعیین شاخص‌های رهبری آینده و تعیین خطوط کلی کیفیت تعامل با برخی گروه‌های سیاسی (مجاهدین خلق، نهضت آزادی و...) در این نامه مشهود است.

- انسجام

رنجنامه شامل یک مقدمه کوتاه برای ادای احترام و برشمردن دلایل نوشتن نامه، بدنه متن همراه با انضمام اسناد مربوطه (نامه امام، اعترافات مهدی هاشمی، اظهارات هادی هاشمی و...) و خاتمه نامه که جنبه تعیین تکلیف برای آیت‌الله منتظری و ارائه راهکار برای خروج از این وضعیت دارد. یکی از

روش‌های ایجاد انسجام در متون و گفتمان‌ها استفاده از تکرار است. تکرار دارای نقش مهمی است که در تأکید معنایی برخی واژگان متن و در کانون توجه قرار دادن آن نمود می‌یابد. یکی از عبارات، پرتکرار جمله «آیا شما ساده‌اندیش نیستید؟» خطاب به آیت‌الله منتظری است. این تکرار علاوه بر جنبه آگاهی‌رسانی به مخاطب، اهتمام سیداحمد خمینی را در ابلاغ پیام اصلی و دال محوری متن که «ساده‌اندیش بودن» مخاطب نامه است، القا می‌کند. یکی از مهم‌ترین مفاهیم تحلیل گفتمان انتقادی در سطح توصیف، استفاده از احساسات است. در متن رنجنامه در چندین مورد، حس علاقه به آیت‌الله منتظری از جانب نگارنده و امام خمینی آورده شده است. جملات تکمیلی مانند «حضرت امام پس از کنار گذاشتن شما ظرف چند ساعت، چندین بار گریستند» یا «بارها فرمودند که لحظه‌ای از آقای منتظری غافل نیستم» و «عمری عشق‌ورزیدن بنده به شما» در همین راستا قابل تحلیل است (خمینی، ۱۳۶۸: ۱). رنجنامه با جملاتی نظیر «بدون مقدمه و تعارفات معموله به سراغ اصل مطلب می‌روم» و «معذرت می‌خواهم که قلمم گاهی تند می‌شود، چراکه ما صراحت را از شما آموخته‌ایم»، به دور از تکلف و دارای پیامی روشن است. کلمات و واژگان کاملاً در خدمت معانی است و هدف از نگارش نامه «ادای دین به امام مظلوم» و «خدمت به مردم مشتاق و طالب حقیقت» عنوان می‌شود. به صورت کلی، جان‌مایه رنجنامه را می‌توان مجموع موارد زیر دانست:

۱. ساده‌اندیشی آیت‌الله منتظری در اجازه به ورود افراد و جریان‌های غیرصلاحیت‌دار به حریم خصوصی قائم‌مقام رهبری؛
۲. تبدیل شدن بیت آقای منتظری به پایگاه منافقین و برخی مواضع دیگر؛
۳. تلاش بی‌نتیجه امام خمینی برای اصلاح مسیر آیت‌الله منتظری؛
۴. فقدان صلاحیت آیت‌الله منتظری برای رهبری جمهوری اسلامی؛
۵. برکناری.

منابع و ارجاعات رنجنامه

مهم‌ترین منبع برای ادعاهای مطرح‌شده در رنجامه، نامه امام، اعترافات سید مهدی هاشمی و نامه‌های او به آیت‌الله منتظری و سیدهادی هاشمی، اسناد اطلاعاتی و خاطرات شخصی نگارنده است که سیداحمد از آنها برای آنچه «درك شیرین حقیقت» می‌نامد، کمک گرفته است. همچنین در زمینه دیگرگفتمان‌های طرح‌شده در متن رنجامه می‌توان به مسائل دیگری از جمله مباحث پیرامون کتاب شهید جاوید،^۱ مسئله فدک^۲ و قتل دکتر سامی^۳ اشاره شود. وجود این مسائل در متن، نشان از دامنه عمیق اختلافات نظری میان آیت‌الله منتظری و آیت‌الله خمینی عنوان شده است.

۳- تحلیل در سطح تبیین (عمل اجتماعی)

هدف از مرحله تبیین در الگوی تحلیلی فرکلاف، بازگفت گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است و اینکه گفتمان در روابط قدرت چه جایگاهی دارد. در این سطح، سؤالات شامل فهم روابط قدرت در سطح نهادی و اجتماعی و شناخت رویکرد گفتمان به حفظ روابط موجود قدرت یا تغییر است.

ایدئولوژی رنجامه

بررسی محتوای رنجامه نشان می‌دهد ایدئولوژی نفی، رویکرد غیرسازنده و معرفی ابعاد سلبی شخصیتی آیت‌الله منتظری از منظر نویسنده در اولویت نگارش قرار داشته است.

پیشنهادها و توصیه‌های رنجامه

سیداحمد در رنجامه مجموعه توصیه‌های اصلاحی به آیت‌الله منتظری دارد. ایشان در جملاتی نظیر اینکه «معتقدم خداوند شما را هدایت و حفظ می‌کند و از امام ان‌شاءالله فاصله نمی‌گیرید»، پیشنهادهایی نظیر «دست‌نزدن به هیچ کار غیرمعقول» و «فاصله‌گرفتن از لیبرال‌ها، منافقین و آخوندهای مرتجع» دارد. سیداحمد در جای دیگری از متن، تناقض

۱ تألیف نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (۱۳۰۳-۱۳۸۵ش) که تفسیر نویبی از حرکت امام سوم شیعیان و واقعه کربلا ارائه کرد. آیت‌الله منتظری از جمله مدافعان مباحث این کتاب در زمان انتشار بود.

۲ در آن زمان از آیت‌الله منتظری نقل شده بود که مالکیت دختر پیامبر اسلام بر این مکان را قبول ندارد. برای اطلاعات بیشتر رک به کتاب دراسات فی ولایت الفقیه، مجلد سوم، ص ۳۲۹.

۳ کاظم سامی (۱۳۱۳-۱۳۶۷) رهبر جنبش انقلابی مردم ایران (جاما) و نخستین وزیر بهداشت پس از انقلاب اسلامی در دولت موقت بود.

وضعیت فعلی را برای آیت‌الله منتظری به این صورت تشریح می‌کند که به‌نوعی تعیین تکلیف آینده آیت‌الله منتظری از زبان افکار عمومی است: «اگر از امام فاصله بگیرید و حتی اگر امام روزی به شما اخم کنند، آنها (مردم و روحانیون) نیز بی‌درنگ به شما اخم می‌کنند و حاضر نیستند شما را بدون حب امام را تحمل کنند» (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۷).

نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان انتقادی، لایه‌های زیرین معنای متن را با استفاده از عوامل بافت تاریخی، روابط قدرت، نهادها و فرایندهای اجتماعی و ایدئولوژیک آشکار می‌کند. نورمن فرکلایف تحلیل گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی و متن را در درجه اول حاوی کلیتی می‌داند که به آن وابسته است. سیداحمد خمینی از شخصیت‌های مهم تاریخ معاصر ایران است و با طرح ایده‌هایی نظیر جریان خط سوم، نقد روحانی‌نماها جمهوری‌ت نظام، نفی جریان چماق‌کش، بسط آزادی‌های سیاسی و اجتماعی برای مقابله با استبداد سیاسی و مذهبی و همچنین آرای اقتصادی در دفاع از گسترش تعاونی‌ها و مالکیت دولتی، نقش مهمی در تحولات سیاسی پس از انقلاب اسلامی داشته است. این نقش با تدوین رنجامه، فضای کنشگری سیاسی سیداحمد را به صورت فزاینده‌ای تحت تأثیر قرار داد؛ از این‌رو از اهمیت مطالعاتی بسیاری برخوردار است. از نظرگاه تحلیل گفتمان انتقادی، بافت موقعیت تاریخی رنجامه بیانگر این است که سیداحمد با طرح جریان خط سوم و نگارش رنجامه به دنبال ایجاد یک معنای نوین سیاسی و مذهبی در جامعه ایران بوده است. سیداحمد خمینی با توجه به وضعیت بیماری امام، مناسبات قدرت در دهه ۶۰ شمسی و سایر تحولات سیاسی و اجتماعی پس از جنگ تحمیلی، با تدوین رنجامه سعی در بازتولید یک معنای ایدئولوژیک در بدنه سیاسی و ساحت عمومی جامعه ایران داشت. استفاده از عناصر الهی و اسطوره‌ای در رنجامه نیز در راستای تبیین نقش سیداحمد در هویت‌سازی سیاسی، اراده شکل‌دهی به رخدادهای سیاسی و تعمیم آنها به دوره معاصر بوده است. از این منظر نگارش رنجامه به‌نوعی بازتولید باور در جهت تثبیت و سازماندهی رضایت عمومی و اقناع افکار عمومی در موضوع برکناری قائم‌مقام رهبری قابل تحلیل است.

منابع

۱. آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. انصاری، حمید (۱۳۸۳)، *مهاجر قبیله ایمان؛ نگاهی به زندگی نامه یادگار امام حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ه).
۳. انصاری، مجید (۱۳۹۲)، *ویژه نامه امین امام و امت*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲/۶/۳۰.
۴. امام جمارانی، مهدی (۱۳۹۲)، *ویژه نامه امین امام و مردم*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲/۶/۳۰.
۵. بارسقیان، سرگه (۱۳۸۷)، *مصائب احمد*، هفته نامه شهروند، شماره ۴۹.
۶. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، *گفتمان*، مقاله ها و خطابه ها، تهران، نشر فرهنگ گفتمان.
۷. جبرائیلی، سید یاسر (۱۳۹۸)، *روایت رهبری: مناسبات جمهوریت و اسلامیت در انتخاب ولی فقیه*، تهران، نشر نسیم انقلاب.
۸. خامنه ای، سید علی (۱۳۷۴)، *گفت و گوی حجت الاسلام مسیح بروجردی با آیت الله خامنه ای درباره حاج احمد آقای خمینی*، ۱۳۷۴/۳/۱۱، قابل دسترس در <https://farsi.khamenei.ir>
۹. خمینی، سیداحمد (۱۳۷۴)، *گنجینه دل: مجموعه خاطرات یاران در وصف یادگار امام حجت الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. خمینی، سیداحمد (۱۳۵۸)، *مصاحبه با روزنامه کیهان*، ۲۴ مهر ۱۳۵۸.

۱۱. خمینی، سیداحمد (۱۳۵۹)، نامه به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، منتشرشده در روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۱۱/۲۸.
۱۲. خمینی، سیداحمد (۱۳۶۰)، مصاحبه با روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۱/۲۴.
۱۳. خمینی، سیداحمد (۱۳۷۴)، آینه آفتاب، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. خمینی، سیداحمد (۱۳۷۴)، مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی، منتشرشده در ۱۳۷۴/۱/۱۴.
۱۵. خمینی، سیداحمد (۱۳۷۵)، مصاحبه منتشرشده، سایت جماران www.jamaran.ir.
۱۶. خمینی، سیداحمد (۱۳۷۵)، مجموعه آثار یادگار امام، ۲، جلدی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۷. خمینی، سیداحمد (۱۳۶۸)، رنجنامه به حضرت آیت‌الله منتظری از حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سیداحمد خمینی، تهران، نشر نینوا.
۱۸. دعایی، محمود (۱۳۹۷)، مصاحبه با سایت خبری-تحلیلی خبرآنلاین www.khabaronline.ir.
۱۹. رشیدی، محمد (۱۳۸۹)، زندگی‌نامه سیاسی حاج سیداحمد خمینی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۲۰. عارفی، حسن (۱۳۸۵)، طبیب دل‌ها؛ خلاصه گزارش‌های طول درمان و سیر معالجات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و خاطرات تیم پزشکی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۲۱. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

۲۲. طباطبایی، فاطمه (۱۳۹۰)، **اقلیم خاطرات**، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۳. کرباسچی، غلامحسین (۱۳۹۰)، **ویژه‌نامه امین امام و امت**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲/۶/۳۰.
۲۴. منتجبی، اکبر (۱۳۸۶)، **خط سوم ایرانی از احمد خمینی تا کارگزاران سازندگی**، هفته‌نامه شهروند، تیر ۱۳۸۶، ش ۶
۲۵. منتظری، حسینعلی (۱۳۸۶)، **خاطرات**، قابل دسترس در <https://amontazeri.com>
۲۶. محمدبن علی شمس تبریزی (۱۳۶۹)، **مقالات شمس تبریزی**، تصحیح محمدعلی موحد، انتشارات خوارزمی.
۲۷. موسوی‌لاری، سیدعبدالواحد (۱۳۹۸)، **مصاحبه با سایت خبری خبرآنلاین**، ۱۳۹۸/۱۱/۲۵، www.khabaronline.ir.